

رویکردهای مختلف به زبان انگلیسی به عنوان زبانی جهانی

نگار داوری ارکانی¹

حسین مغانی²

چکیده

به موازات فرایند جهانی‌شدن، دامنه زبان انگلیسی به اکناف جهان گسترانده شده و این زبان در طیف وسیعی از کشورها و جوامع غیرانگلیسی‌زبان رواج یافته است. این گسترش منجر به ظهور گونه‌های محلی و غیربومی این زبان شده است. پیدایش گونه‌های محلی انگلیسی، چالش‌های نظری و آموزشی متعددی را فراروی برنامه‌ریزان زبان قرار داده، تمایز میان زبان‌های اول، دوم و خارجی را از بین برده و بسیاری از مفروضات ما درباره مفهوم معیار زبانی و نگرش‌های زبانی را در معرض بازبینی قرار داده است. بنابراین، تلاش‌های مختلفی صورت گرفته تا موقعیت این زبان را در بافت جهانی و در ارتباط با رشد روزافزون پدیده جهانی‌شدن تبیین نماید. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تصویری جامع از عمده‌ترین رویکردهای موجود به زبان انگلیسی ارائه گردد. از جمله این رویکردها می‌توان به انگلیسی به عنوان زبان معیار جهانی، انگلیسی‌های جهانی، انگلیسی همگانی، خانواده زبان‌های انگلیسی، زبان امپریالیستی و زبان‌های جهانی انگلیسی اشاره کرد. به طور کلی، به نظر می‌رسد که علیرغم رویکردهای مختلفی که در تبیین وضعیت انگلیسی به مثابه زبانی جهانی وجود دارد، این زبان از مفهوم یکپارچه خود فاصله گرفته، به زبانی ناهمگون تبدیل شده و معیارهای آن صورتی بومی‌شده یافته است.

واژه‌های کلیدی: زبان انگلیسی، زبان جهانی، گویشور بومی، گویشور غیربومی، امپریالیسم زبانی.

1- مقدمه

بسیاری بر این باورند که امروز زبان انگلیسی به زبانی جهانی تبدیل شده است؛ این باور تا حدودی درست است، اما به موازات رشد فزاینده پدیده جهانی‌شدن³، بسیاری از نگرش‌های پیشین نسبت به زبان انگلیسی به عنوان زبانی جهانی، آموزش این زبان و نیز گونه‌های معیار آن تغییر یافته است. این پدیده به همراه بزرگترین نوآوری‌هایی که از دوران گوتنبرگ در حیطه فناوری اطلاعات به وقوع پیوسته همچنان الهام‌بخش فراگیرترین تحولات و دگرگونی‌هایی است که تا 500 سال و حتی یک هزار سال آینده در

¹ دانشیار، گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی n.davari@yahoo.com

² دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه hosseinmoghani@yahoo.com

³ globalization

جامعه رخ خواهد داد (مک کروم¹، 2010: 5) و زبان انگلیسی را بیش از پیش متأثر خواهد ساخت. به نظر می‌رسد که در جریان فرایند جهانی‌شدن و در نتیجه، افزایش پیوسته تعاملات فرهنگی گویشوران انگلیسی‌زبان و غیر انگلیسی‌زبان، تمایز سنتی میان گویشوران بومی این زبان و گویشور غیربومی آن کم‌رنگ‌تر شده و معیارهای زبانی جدیدی در این زبان، در بافت‌های گوناگون شکل گرفته است. از دیگر سو، امروز بیش از هر زمان دیگری، زبان‌های ملی از جانب تأثیرات انکارناپذیر بالقوه‌ای که از محل زبان انگلیسی و جایگاه بلامنازع این زبان به عنوان زبان جهانی ناشی می‌شود، مورد تهدید قرار گرفته‌اند. در این راستا، در این مقاله برخی از مهم‌ترین رویکردهای مختلف به زبان انگلیسی بررسی و ابعاد مختلف این رویکردها تبیین می‌شود و از این رهگذر، تصویری جامع و همه‌جانبه از مسئله زبان جهانی در روند جهانی‌شدن و نیز در ارتباط با زبان‌های محلی به عنوان گنجینه‌های گران‌بهای از فرهنگ، آداب، رسوم، سنن، باورها و ارزش‌های پیشینیان برای خواننده ترسیم خواهد شد.

2- پیشینه پژوهش

پیشینه مطالعات زبان جهانی در خارج از ایران بسیار گسترده است، به طوری که تهیه فهرستی از این آثار کاری زمان‌بر خواهد بود و صدها صفحه را به خود اختصاص خواهد داد. با این حال می‌توان به برخی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین آثار در این زمینه بسنده نمود. برای مثال، کچرو² (1985، 1997)؛ فیلیپسن³ (1992، 2003، 2009)؛ موفوین⁴ (1994، 1998)؛ گراچول⁵ (1998)؛ پنی‌کوک⁶ (2001، 2007)؛ برات-گریفلر⁷ (2002)؛ کریستال⁸ (1997 [2003])؛ بولتون⁹ (2006 a,b)؛ جنکینز¹⁰ (2006) و مک‌کروم (2010). تا آنجا که نگارندگان اطلاع دارند، تاکنون پژوهش ثبت‌شده‌ای در ایران پیرامون موضوع جهانی‌شدن و زبان انگلیسی به مثابه زبانی جهانی و نیز رویکردهای مختلف به آن مشاهده نشده است، اگر چه موضوع جهانی‌شدن به طور اخص و صرف نظر از ارتباط آن با موضوع زبان جهانی، در آثار مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

3- بحث و بررسی

3-1- انگلیسی: زبان معیار جهانی

¹ McCrum, R.

² Kachru, B.B.

³ Phillipson, R.

⁴ Mufween, S.

⁵ Graddol, D.

⁶ Pennycook, A.

⁷ Brutt-Griffler, J.

⁸ Crystal, D.

⁹ Bolton, K.

¹⁰ Jenkins, J.

بر اساس دیدگاه زبان انگلیسی به مثابه زبانی جهانی، پیدایش گونه‌ای از انگلیسی معیار جهانی که طیف وسیعی از گویشوران بومی و غیر بومی بدان تکلم می‌کنند، اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. از این منظر و بسته به دیدگاه اندیشمندان مختلف، عناوین و القاب متفاوتی به این گونه نوظهور اختصاص داده شده است؛ برای مثال، کِرک^۱ (1982) اصطلاح «انگلیسی هسته‌ای»^۲ را به عنوان ابزاری برای برقراری ارتباط در سطح بین‌المللی به کار می‌گیرد. این گونه جدید و نوظهوری از زبان انگلیسی معیار جهانی نیست که معیارها و هنجارهای زبانی جدیدی را به منظور استفاده گویشوران انگلیسی‌زبان غیربومی ساکن در بافت‌های غیربومی را در برمی‌گیرد، بلکه صورت ساده‌شده‌ای از انگلیسی معیار است که فراگیری آن به عنوان زبانی جهانی برای گویشوران غیربومی آسان‌تر شده است.

از سویی دیگر، اسمیت^۳ (1983) با پیشنهاد اصطلاح «انگلیسی به مثابه زبان (کمکی) بین‌المللی»^۴، المللی^۵، این زبان را ابزاری خنثی تلقی می‌کند که به منظور برقراری ارتباط در سطح بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد. گونه زبانی پیشنهادی اسمیت متشکل از مشخصه‌های زبان‌های انگلیسی مورد استفاده در حوزه بیرونی^۶ (که توسط کچرو پیشنهاد شده است و کشورهای چون نیجریه، زامبیا، هند و سنگاپور را در برمی‌گیرد؛ رجوع شود به بخش 3-2) و نیز انگلیسی معیار مورد استفاده توسط گویشوران غیربومی انگلیسی است و با انگلیسی معیار و نیز فرهنگ گویشوران بومی در ارتباط نیست. روشن است که کاربرد زبان انگلیسی به عنوان زبان بین‌المللی توسط گویشوران بومی و غیر بومی مستلزم و متضمن آموزش آگاهانه است.

رویکرد دیگری به مطالعه گسترش جهانی زبان انگلیسی، رویکرد لیبرالیستی^۶ دیوید کریستال (2003) است. کریستال در این رویکرد می‌کوشد تا میان دو مفهوم چندزبانگی یا حفظ تنوعات زبانی از یک سو و ارزش زائدالوصف انگلیسی به مثابه زبانی جهانی به منظور دستیابی به درک و فهم متقابل در سطح جهانی، از سوی دیگر، ارتباط برقرار نماید و خود بر این اعتقاد است که برخورداری از جامعه‌ای صلح‌طلب و مسالمت‌آمیز مستلزم رعایت توأمان هر دو اصل است؛ در یک سر طیف، کریستال بر اهمیت بوم‌شناختی زبان و توجه به حفظ تنوعات زبان‌های ملی و محلی به عنوان گنجینه دانش و فرهنگ ملت‌های مختلف اشاره دارد و در سر دیگر طیف، اهمیت فزاینده رشد و گسترش انگلیسی به عنوان زبانی جهانی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

کریستال (2003) رشد فزاینده زبان انگلیسی در جهان را بی‌سابقه می‌داند. به باور او، هیچ زبان دیگری را نمی‌توان یافت که چنین رشد و گسترشی را در این مقیاس گسترده تجربه کرده باشد، اما در عین حال او معتقد است که نباید از نظر دور داشت که آنچه در مورد زبان انگلیسی جلب توجه می‌نماید

¹ Quirk, R.

² Nuclear English

³ Smith, L.

⁴ English as an international (auxiliary) language

⁵ The Outer Circle

⁶ laissez-faire liberalism

شمار کلی گویشوران آن نیست، بلکه سرعت و شتابی است که از آغاز دهه 1950 تاکنون، سطره این زبان را به اکناف جهان گسترانده است. وی بر آن است که گسترش فزاینده زبان انگلیسی در عصر حاضر را با توجه به این حقیقت توجیه نماید که این زبان، حضوری به موقع را در زمان و مکان تجربه نموده است. او معتقد است که در قرون 17 و 18، زبان انگلیسی، زبان قدرتمندترین و بانفوذترین کشور استعماری دنیا، بریتانیا، محسوب می‌شد؛ در اواخر قرن 19 و اوایل قرن بیستم، این زبان به زبان قدرت برتر اقتصادی جهان، ایالات متحده آمریکا، بدل شد و در نتیجه، با فراهم آمدن فرصت‌های زبانی جدید و به واسطه پیدایش فناوری‌های نوین، کاربرد زبان انگلیسی در صنایع، که تمام جوانب جامعه را - اعم از مطبوعات، تبلیغات، صدا و سیما، تصاویر متحرک، فناوری ضبط صوت و صنعت حمل و نقل و ارتباطات - تحت الشعاع قرار گرفته و بُعد تازه‌ای به این زبان بخشیده است (کریستال، 2003: 121). کریستال همچنین بیان می‌کند که در همین زمان و به علت نیاز به وجود یک زبان میانجی برای استفاده در انعقاد قراردادها و پیمان‌های بین‌المللی، شأن دیگری از این زبان به منصف ظهور رسید. بر این اساس، در طول نیمه نخست قرن بیستم، انگلیسی به تدریج به جایگاه و شأنی کمابیش بلامنازع در سطح بین‌المللی و در عرصه‌های سیاسی، علمی و اجتماعی بین جوامع مختلف دست یافت. در دهه 1960، انگلیسی از جایگاهی برجسته برخوردار شده بود، اما با این حال، تلقی آن به عنوان تنها زبان جهانی در آن برهه از زمان همچنان ناممکن می‌نمود. این در حالی است که از دهه 1960 تاکنون، وقوع دو رویداد عمده دیگر موجبات ایجاد جایگاهی جهانی را برای این زبان فراهم نمود. پدیده نخست، گرایش برخی کشورها به کسب استقلال سیاسی بود که در نتیجه آن، زبان انگلیسی در بسیاری از کشورهای تازه استقلال‌یافته از جایگاه و شأنی قابل قبول برخوردار گردید. رویداد دیگر، وقوع انقلاب الکترونیکی بود، که در این عرصه نیز انگلیسی حضوری به موقع (دهه 1970) را در مکانی مناسب (آمریکا) تجربه نمود (کریستال، 2003: 121).

کریستال (2003) این گونه زبان انگلیسی نوظهور را که نقش یک زبان مشترک جهانی به منظور ارتباط در سطح بین‌المللی و نیز دستیابی به درک متقابل را ایفا می‌نماید، «انگلیسی گفتاری معیار جهانی» می‌نامد و معتقد است که این گونه زبانی عمدتاً از گونه انگلیسی آمریکایی تأثیر پذیرفته است و شباهت زیادی به آن دارد (کریستال، 2003: 188). از نظر کریستال (کریستال، 2003: 89)، پیدایش این گونه انگلیسی گفتاری معیار جهانی به عنوان زبانی خنثی در سطح جهان، به تدریج تمایز میان گونه‌های انگلیسی آمریکایی و بریتانیایی را از بین می‌برد و در نتیجه، گونه‌های مذکور صرفاً نقش زبان-های ملی را ایفا می‌نمایند و شاخص هویت گویشوران آنها محسوب خواهند شد.

مودیانو^۱ (1999 a, b) با دیدگاهی مشابه به دیدگاه کریستال، اصطلاح «انگلیسی به مثابه زبان بین‌المللی»^۲ را مطرح می‌کند تا نقش این زبان را در امر برقراری ارتباط در سطح جهانی تبیین نماید. این

¹ World Standard Spoken English

² Modiano, M.

³ English as an International Language

گونه زبانی، ملغمه‌ای از مشخصه‌های زبان انگلیسی است که قابلیت درک و فهم آن برای گویشوران بومی و غیربومی این زبان به سادگی امکان پذیر است. مودیانو معتقد است در صورتی که گویشوران گونه‌های محلی زبان انگلیسی قادر باشند به گونه زبان «انگلیسی به مثابه زبان بین‌المللی» تغییر رمز دهند، می‌توان آنها را گویشوران این گونه از زبان بین‌المللی تلقی کرد.

رویکرد اتخاذی دیگر نسبت به زبان انگلیسی و جایگاه جهانی این زبان در عصر حاضر، رویکرد مک‌کروم است. مک‌کروم (2010) بر این باور است که تا پیش از قرن بیست و یکم، کمتر زبان و فرهنگی در جهان از موقعیتی اینچنینی برخوردار بوده است. حتی با در نظر گرفتن شمار گویشوران، انگلیسی تقریباً دارای 4 میلیارد سخنگو در سرتاسر جهان است، که این شمار خود یک سوم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. به باور او، تنها زبانی که تعداد گویشوران آن از انگلیسی بیشتر است، چینی است، این در حالی است که 350 میلیون نفر از این تعداد خود به گونه‌ای از زبان انگلیسی تکلم می‌کنند (مک‌کروم 2010: 9-8).

مک‌کروم هم‌صدا با برخی از پژوهشگران می‌گوید که زبان انگلیسی در آینده‌ای محتوم موجبات زوال و نابودی خود را فراهم خواهد ساخت. به باور او، در کشورهایی که این زبان به عنوان زبان مادری تکلم می‌شود، نگرانی‌ها و دغدغه‌های فراوانی درباره آینده آن ابراز شده است. برای مثال، در آمریکا، زبان‌شناسان محافظه‌کار در مورد خطرات ناشی از زبان اسپانیایی و تأثیر سوء این زبان بر گونه انگلیسی آمریکایی هشدار داده‌اند. این در حالی است که خطر واقعی‌تر و جدی‌تری که انگلیسی را تهدید می‌کند، نه از جانب زبان‌های بیگانه، بلکه حاصل جرح و تعدیلات بی‌وقفه و مداومی است که در نتیجه انجام تعاملات روزمره و بی‌شمار در سراسر جهان به این زبان وارد می‌شود. در واقع، در حال حاضر، زبان انگلیسی جهانی با کسب استقلال از گذشته و ریشه بریتانیایی و آمریکایی خود، روند تحولی جدید و متمایزی را در پیش گرفته است (مک‌کروم 2010: 8).

مک‌کروم همچنین استدلال و ادعای برخی از صاحب‌نظران را مبنی بر این که انگلیسی نیز همچون لاتین در حال تبدیل‌شدن به گونه‌هایی متمایز و متفاوت است، استدلال و ادعایی مغلوط به شمار می‌آورد. به نظر او، با پایان یافتن جنگ سرد، قدرت و نفوذ جهانی زبان و فرهنگ انگلیسی - آمریکایی در حال رسیدن به نقطه عطفی دیگر در طول تاریخ خود است؛ پس از فرو ریختن دیوار برلین و به موازات ظهور فناوری اینترنت در دهه 1990، سیر تحولی جدید و چشمگیر دیگری [در این زبان] ایجاد شده است (مک‌کروم 2010: 5)، که او این گونه نوظهور را «گونه جهانی انگلیسی» می‌نامد.

3-2- انگلیسی‌های جهانی

در طول سه دهه اخیر، مطالعات زیادی پیرامون «انگلیسی‌های جهانی»¹ و برخی حوزه‌های مربوط به آنها انجام شده است. اصطلاح «انگلیسی‌های جهانی» دربردارنده سه مفهوم مختلف است؛ این اصطلاح در مفهوم نخست برای اطلاق به حوزه وسیع و گسترده‌ای از رویکردهای مطالعاتی متفاوتی به کار

¹ World Englishes

می‌رود که توصیف و تحلیل زبان‌های انگلیسی در سراسر جهان را در دستور کار خود قرار می‌دهند (جنکینز، 2006: 159).

در مفهوم دوم، اصطلاح انگلیسی‌های جهانی برای اطلاق به آن دسته از زبان‌های جدید انگلیسی به کار می‌رود که در مناطقی چون حوزه دریای کارائیب، جوامع شرقی و غربی آفریقا از جمله نیجریه و کنیا، و نیز برخی از زبان‌های آسیایی نظیر انگلیسی هنگ کنگ، انگلیسی هندی، انگلیسی مالزیایی، انگلیسی سنگاپوری و انگلیسی فیلیپینی مورد استفاده قرار می‌گیرند. پر پیداست که مطالعه در این حوزه به بررسی و توصیف گونه‌های مستقل، ملی و یا منطقه‌ای زبان‌های انگلیسی متمرکز است. سرانجام، رویکرد مطالعاتی کچرو و دیگر صاحب‌نظرانی که در «الگوی انگلیسی‌های جهانی» به فعالیت و پژوهش مشغولند، مفهوم سومی از اصطلاح مورد وصف را تشکیل می‌دهد (بولتون، 2006 a, b).

آنچه در این سه رویکرد کلی از اهمیت کانونی برخوردار است، توجه به تقابل میان دو مفهوم تک‌مرکزگرایی^۱ در مقابل چندمرکزگرایی^۲ — تقابل میان یک زبان انگلیسی (به همراه کلیه گونه‌های جغرافیایی و اجتماعی آن) و زبان‌های مختلف انگلیسی (گونه‌های مستقل و نیمه‌مستقل آن) — است. این تقابل که با الگوگیری از باختین^۳، نیروهای مرکزگرای زبان (های) انگلیسی بین‌المللی را در نقطه مخالف نیروهای مرکزگرای آن قرار می‌دهد، در الگوی «انگلیسی‌های جهانی» در مقابل عباراتی نظیر «انگلیسی جهانی»، «انگلیسی بین‌المللی»، «انگلیسی معیار جهانی» و «زبان انگلیسی جهانی» نمود می‌یابد (بولتون، 2006 a, b).

آنچنان که پیش‌تر نیز گفته شد، مطالعه در حوزه «انگلیسی‌های جهانی» در دو یا سه دهه گذشته رشد قابل توجهی را تجربه کرده است، به گونه‌ای که به نوعی «تغییر الگو» در این حوزه از مطالعات منجر شده، مرکز ثقل این زبان را از «گوشوران بومی‌زبان انگلیسی» به «سایر» گوشوران، خواه بومی خواه غیربومی، تغییر داده است (بام‌گاردنر^۴، 2006: 662).

کچرو (1992) گسترش زبان انگلیسی را در قالب الگوی پیشنهادی خود تحت عنوان «سه حوزه هم‌مرکز»^۵ گسترش زبان انگلیسی مورد بررسی قرار می‌دهد. «حوزه درونی»^۶ به جوامعی اطلاق می‌شود که انگلیسی در آنها به عنوان زبان بومی یا اصلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این جوامع عبارتند از ایالات متحده آمریکا، انگلستان، کانادا، استرالیا و نیوزلند. «حوزه بیرونی» برای اطلاق به بافت‌های پس‌استعماری انگلیسی‌زبان به کار می‌رود و خود دربرگیرنده طیفی بسیار وسیع از جوامع مختلف آفریقایی و آسیایی نظیر نیجریه، زامبیا، هند و سنگاپور است. علیرغم تنوع و وسعت چشمگیر جوامع اخیر، همه آنها از وجوه مشترک چندی نیز برخوردارند، که از جمله آنها می‌توان به دستیابی زبان انگلیسی به جایگاهی

¹ monocentrism

² pulicentrism

³ Bakhtin

⁴ Baumgardner, R.J.

⁵ Three Cocentric Circles (of English)

⁶ The Inner Circle

رسمی، نیمه‌رسمی، حقوقی و یا کاربرد به عنوان زبان آموزشی در این جوامع اشاره نمود. سرانجام، «حوزه در حال گسترش»¹ برای اطلاق به نواحی و جوامعی به کار می‌رود که انگلیسی در آنها به عنوان زبان بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این جوامع به طور سنتی، انگلیسی را به عنوان زبان خارجی مورد استفاده قرار می‌دهند و خود شامل طیف وسیع و بسیار گسترده‌ای متشکل از کشورهایی چون چین، ژاپن، یونان، اندونزی، اسرائیل، کره، عربستان سعودی، تایوان، شوروی، ایران و غیره است (کچرو 1985: کریستال، 2003: بولتون، 2006 a, b).



شکل 1- الگوی پیشنهادی کچرو (سه حوزه هم‌مرکز گسترش زبان انگلیسی) کچرو (1988) همچنین با طرح مفاهیم «دامنه»² و «عمق»³ کاربرد انگلیسی در حوزه‌های بیرونی و در حال گسترش، میان دو مقوله «بومی‌بودن ژنتیکی»⁴ و «بومی‌بودن نقشی»⁵ تمایز قائل می‌شود. «دامنه»، به ذخیره نقشی زبان انگلیسی در حوزه‌هایی چون سازمان‌های دولتی، حقوق، تجارت، خانواده و غیره، اطلاق می‌شود و در مقابل، «عمق» به کاربرد انگلیسی توسط مردم در سطوح مختلفی از جامعه نظیر مغازه‌داران، رانندگان تاکسی و غیره اطلاق می‌شود.

علاوه بر این، تمایز دیگری که کچرو در این زمینه مطرح می‌سازد، تمایزی است که وی با توجه به مقولات مرتبط با الگوها، هنجارها و معیارهای لازم به منظور فراگیری و کاربرد انگلیسی در حوزه بیرونی و حوزه در حال گسترش مطرح می‌سازد یعنی 1- گونه‌های «هنجارساز»⁶ حوزه درونی (شامل گونه‌های انگلیسی آمریکایی، انگلیسی بریتانیایی و گونه‌های غیرمتعارف‌تر این زبان، از جمله انگلیسی استرالیایی و انگلیسی نیوزلندی)، 2- گونه‌های «هنجارگستر»⁷ حوزه بیرونی (که در آن، هنجار محلی شده و یا مرکزگرا از هویت زبانی و فرهنگی تثبیت‌شده‌ای برخوردارند، مانند گونه‌های انگلیسی سنگاپوری،

¹ The Expanding Circle

² range

³ depth

⁴ genetic nativeness

⁵ functional nativeness

⁶ norm-providing

⁷ norm-developing

انگلیسی نیجریه‌ای و انگلیسی هندی)، و گونه‌های «هنجارپذیر»¹ حوزه‌های در حال گسترش (مانند کاربرد انگلیسی در کشورهایی چون کره، ایران، عربستان سعودی و غیره که در آن، هنجارها مرکزگرای یا بیرونی — یعنی همان هنجارهای مربوط به گونه‌های انگلیسی آمریکایی و بریتانیایی — است (کچرو، 1998).

پنی کوک (2007) با مقایسه الگوی انگلیسی‌های جهانی و الگوی امپریالیستی زبان خاطر نشان می‌سازد که به دلایلی چند، در رویکرد نظری انگلیسی‌های جهانی رابطه میان پدیده جهانی‌شدن و زبان جهانی بررسی می‌شود که مناسب‌تر از رویکرد امپریالیستی به این موضوع به نظر می‌رسد، چرا که در رویکرد نخست، مفهوم یکپارچه و فراگیر انگلیسی — که محصول هژمونی قدرت‌های مرکزی انگلیسی زبان است — به چالش کشیده می‌شود؛ در حالی که در رویکرد «همگن‌گرایی»² به مطالعه زبان انگلیسی، این زبان نقش عمده در همگون‌سازی جهان ایفا می‌کند، رویکرد مخالف که «ناهمگن‌گرایی»³ نامیده می‌شود، بر مفاهیمی چون تکثرگرایی [. . .] و صورت‌های جدید و در حال ظهوری از رفتار و نیز رشد خلاقانه چندزبانگی در نتیجه پیدایش گونه‌های مختلفی از انگلیسی تأکید می‌کند (کچرو 1997: 66، نقل شده در پنی کوک، 2007). در واقع، در الگوی انگلیسی‌های جهانی شیوه‌های مختلف پذیرش و نهادینه‌شدن انگلیسی در سطح محلی به منظور خلق گونه‌های مختلفی از این زبان در سراسر جهان بررسی می‌شود. پنی کوک همچنین معتقد است که این رویکرد از مزیت دیگری نیز برخوردار است: به باور او، رویکرد انگلیسی‌های جهانی، حوزه مطالعاتی گسترده‌ای را پیرامون زبان‌های جدید انگلیسی ایجاد کرده است و از این رهگذر، این امر را میسر ساخته است تا بتوان ادعا نمود که صورت‌های مختلف انگلیسی صرفاً گونه‌هایی محلی این زبان هستند و نه گونه‌هایی غیرمعیار و نامعتبر از گونه انگلیسی مرکزی.

3-3- خانواده زبان‌های انگلیسی

رویکرد متفاوت به وضعیت زبان انگلیسی، رویکرد کانگاراها⁴ (2006) است که انگلیسی را به مثابه خانواده‌ای از زبان‌ها در نظر می‌گیرد. در واقع، بر خلاف کرک (1985) که هنجارهای حوزه درونی (گونه انگلیسی آمریکایی، بریتانیایی، کانادایی و غیره) را به عنوان معیار زبانی تلقی می‌کند و نیز برخلاف رویکرد تکثرگرایی کچرو (1985) که با ایجاد نوعی تغییر در الگوی مطالعاتی متعارف با بررسی زبان انگلیسی همراه بوده است، کانگاراها معتقد است که این دو رویکرد، رویکردهایی ناکارآمد تلقی می‌شوند و به خوبی قادر به تبیین جایگاه انگلیسی نیستند و نیز معیارهای لازم برای فراگیری این زبان را ندارند. به عبارتی دیگر، در حالی که کچرو زبان‌های انگلیسی مورد استفاده در حوزه بیرونی را صرفاً در بافت‌های محلی، معتبر تلقی می‌کند (برای مثال، انگلیسی هندی برای هند، انگلیسی نیجریه‌ای برای نیجریه و غیره)، کانگاراها بر لزوم وجود ارتباط میان انگلیسی‌های حوزه درونی، انگلیسی‌های حوزه بیرونی و

¹ norm-dependent

² homogenization

³ heterogenization

⁴ Canagarajah, S.

انگلیسی‌های حوزه در حال گسترش و نیز آگاهی گویشوران این حوزه‌ها از گونه‌های یکدیگر تأکید می‌ورزد. بنابراین، همان‌گونه که گونه انگلیسی آمریکایی برای ساکنان هند مهم تلقی می‌شود، گونه انگلیسی هندی نیز برای ساکنان آمریکا مفید و حیاتی به شمار می‌رود. علاوه بر این، کانگاراها بر این ادعا است که گویشوران انگلیسی ساکن در حوزه‌های در حال گسترش، نه تنها انگلیسی را به منظور برآوردن اهداف خود در سطح بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌دهند، بلکه در سطح محلی و بین‌منطقه‌ای نیز از این زبان استفاده می‌کنند. از این رو، کانگاراها معتقد است آنجا که جوامع زبانی حوزه‌های در حال گسترش، انگلیسی را به عنوان زبانی میانجی به کار می‌برند، بهتر آن است، که برخلاف کچرو که این جوامع را جوامعی هنجارپذیر تلقی می‌کند، آنها را جوامعی هنجارگستر به شمار آورد. همچنین، به باور کانگاراها، در حالی که الگوی پیشنهادی کچرو متضمن تمایزی دوگانه می‌گردد که به موجب آن، حوزه درونی به عنوان «مرکز» و حوزه‌های بیرونی و در حال گسترش به عنوان «حاشیه» تلقی می‌شوند، رشد فزاینده شمار گویشوران غیربومی زبان انگلیسی در حال حاضر خلاف این امر را ثابت کرده است. بر این اساس، او نقش حوزه‌های بیرونی و در حال گسترش را در گسترش انگلیسی در سطح جهانی نقشی اساسی محسوب می‌کند.

3-4- امپریالیسم زبانی

مفهوم «امپریالیسم زبانی» که به ویژه از اوایل دهه 1990 در آثار فیلیپسن (برای مثال، 1992، 2003، 2009) مطرح شد، نوعی مفهوم زبان‌شناختی است که به موجب آن، یک زبان برتر بر زبان‌های دیگر استیلا یافته است و بر گویشوران آنها تحمیل می‌شود. این رویکرد انتقادی به زبان‌ها، به طور کلی و زبان انگلیسی، به طور اخص، که شالوده فکری آن بر مبنای نظریه امپریالیستی یوهان گالتونگ¹ و نظریه اجتماعی و به ویژه مفهوم هژمونی فرهنگی ارائه شده توسط آنتونی گرامشی² استوار است، گونه دیگری از امپریالیسم تلقی می‌شود که متضمن ایجاد ساختار نابرابر و نامتقارنی از ارتباط میان زبان‌ها است. امپریالیسم زبانی را می‌توان زیرمقوله‌ای از امپریالیسم فرهنگی به شمار آورد.

امپریالیسم زبانی با شاخه‌های دیگر امپریالیسم فرهنگی در ارتباط نزدیک و تنگاتنگی قرار دارد، چرا که تقریباً بدیهی است که این زبان قدرت برتر است که در هر یک از زیرمقوله‌های امپریالیسم فرهنگی و نیز در حوزه‌های دیگری چون اقتصاد، سیاست، و غیره، به عنوان ابزاری به منظور برقراری ارتباط در سطح روابط بین‌المللی و ملی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این امر در گامی فراتر، موجب می‌شود که زبان برتر و یادگیری آن به عنوان زبان دوم یا زبان خارجی نقش مهمی را در روند برقراری ارتباط در سطوح، حوزه‌ها و زیر مقوله‌های مختلف بین‌المللی و نیز در فرایند بازتولید یک رابطه غیر متقارن ایفا نماید (اسکوتناب-کانگاس³ و فیلیپسن، 1994).

¹ Galtung

² Gramsci

³ Skutnabb-Kangas, T.

آنچه در رویکرد امپریالیستی فیلیپسن از اهمیتی ویژه برخوردار است، استفاده از مفهوم ساختار¹ است؛ به باور او، امپریالیسم زبانی صرفاً به چنین نگرش‌ها، باورها و یا برچسب‌هایی محدود نمی‌گردد، بلکه مستلزم و متضمن ایجاد ساختاری است که بر شکل‌دهی به قدرت اجتماعی حاکم است:

در یک ساختار امپریالیستی، [...] جایگاه و شأن یک زبان خاص از میان زبان‌های موجود، از طریق تخصیص منابع مادی بیشتر و نیز از رهگذر تمهید اقدامات، دستورالعمل‌ها و ضوابطی ویژه به عنوان زبان برتر ارتقاء می‌یابد (فیلیپسن، 1994).

انگلیسی، در رویکرد امپریالیستی فیلیپسن (2009: 4)، از نقش بسیار حیاتی در فرایندهای روبه‌رشد جهانی‌شدن برخوردار است و به باور صاحب‌نظران این حوزه، این روند معادل آمریکایی‌شدن به شمار می‌رود. از این منظر، رشد فزاینده انگلیسی باعث شده است که در کشورهای اروپایی و نیز در مؤسسات و نهادهای عضو اتحادیه اروپا، این زبان جایگاهی ویژه یابد.

یکی از نکات کلیدی و اساسی مورد توجه در نظریه امپریالیستی فیلیپسن، پرداختن به فرایندهای هژمونیک پیچیده‌ای است که توجیه‌گر تداوم کاربرد گسترده و استیلای جایگاه انگلیسی بر زبان‌های دیگر است (فیلیپسن، 1992، 2009). او با بررسی انتقادی نقش شورای فرهنگی انگلستان² در ترویج و گسترش دامنه و کاربرد هر چه بیشتر انگلیسی در اکناف جهان، پنج اصل اعتقادی و نظری این شورا در حوزه زبان‌شناسی کاربردی انگلیسی و نیز در حوزه روش‌شناسی آموزش زبان انگلیسی را به چالش می‌کشد. این اصول عبارتند از (فیلیپسن، 1992، 2009: 12):

الف. بهترین شیوه برای آموزش انگلیسی، روش تک‌زبانگی (یعنی استفاده از انگلیسی) است (مغلطه تک‌زبانگی³)؛

ب. ایده‌آل‌ترین آموزگار برای آموزش انگلیسی، گویشور بومی این زبان است (مغلطه گویشور بومی‌زبان⁴)؛

پ. فراگیری انگلیسی در سنین پایین‌تر، نتایج بهتری را به دست خواهد داد (مغلطه سن کم⁵)؛

ت. آموزش هر چه بیشتر انگلیسی، نتایج بهتری را به دست خواهد داد (مغلطه آموزش بیشینه⁶)؛

ث. استفاده زیاد از زبان‌های دیگر، به از بین رفتن استانداردها و معیارهای انگلیسی منجر خواهد شد (مغلطه‌ی زوال معیار⁷).

¹ structure

² British Council

³ the monolingual fallacy

⁴ the native-speaker fallacy

⁵ the early-start fallacy

⁶ the maximum-exposure fallacy

⁷ the subtractive fallacy

فیلیپسن معتقد است که سازمان‌ها، گروه‌ها یا افرادی که در مسیر گسترش و ارتقاء جایگاه انگلیسی گام برمی‌دارند — سازمان‌هایی مانند شورای فرهنگی انگلستان، صندوق بین‌المللی پول^۱، بانک جهانی^۲، و افرادی نظیر مسئولان مدارس انگلیسی‌زبان — فعالیت‌های خود در ارتباط با گسترش انگلیسی را با سه استدلال توجیه می‌کنند:

الف. «استدلال‌های ذاتی»^۳ با برشمردن ویژگی‌ها و خصوصیات چند برای انگلیسی، این زبان را ماهیتاً زبان کارآمد، غنی، اشرافی و جالب تلقی می‌کند؛

ب. «استدلال‌های غیرذاتی»^۴ بر این اصل استوار است که انگلیسی با برخورداری از شمار بالای گویشور، معلمان مجرب و نیز حجم گسترده‌ای از منابع آموزشی، از جایگاه و پایگاهی تثبیت‌شده برخوردار گردیده است؛

پ. «استدلال‌های نقشی»^۵، بر کاربرد و اهمیت فزاینده انگلیسی در گشودن درهای موفقیت به جهان تأکید می‌کند.

علاوه بر استدلال‌های فوق، استدلال‌های دیگری نیز در ارتباط با جایگاه ویژه انگلیسی در مقایسه با سایر زبان‌ها می‌توان برشمرد:

الف. سودمندی اقتصادی: انگلیسی، استفاده از فناوری را برای افراد امکان‌پذیر می‌سازد؛

ب. نقش ایدئولوژیکی: فراگیری انگلیسی نوعی تجددگرایی محسوب می‌شود؛

پ. انگلیسی، نماد پیشرفت و کارایی اقتصادی است.

علیرغم این حقیقت که نظریه امپریالیسم زبانی، ظاهراً نظریه‌ای منسجم و قابل قبولی است، با این حال عده‌ای از صاحب‌نظران، برخی از ادعاهای مطرح در این نظریه را مورد تردید قرار داده‌اند. برای مثال، بیسونگ^۶ (1995: 125) بر این اعتقاد است که در نظریه امپریالیستی فیلیپسن، گویشوران کشورهای در حال توسعه فاقد هر گونه استقلال فکری و تصمیم‌گیری خودمدارانه مبنی بر انطباق یا عدم انطباق خود با آموزه‌های زبان انگلیسی در نظر گرفته شده‌اند. این در حالی است که، به باور بیسونگ، برای مثال، انگلیسی در نیجریه از کاربرد نقش‌محور برخوردار است؛ به بیان دیگر، هدف از آموزش و فراگیری انگلیسی در نیجریه صرفاً پرورش دوزبانگی در این کشور است. علاوه بر این، انتساب ویژگی امپریالیستی به خود «زبان انگلیسی» (و نه گویشوران آن) نیز به چالش کشیده شده است. به باور ویدوسن^۷ (1998: 398) این ایده که زبان (انگلیسی) به خودی خود از ویژگی کنترل هژمونیک برخوردار است، متضمن نوعی تناقض است، زیرا در چنین صورتی، مقابله با چنین کنترلی هرگز امکان‌پذیر نخواهد بود. از دیگر

¹ International Monetary Fund (IMF)

² World Bank

³ Intrinsic arguments

⁴ Extrinsic arguments

⁵ Functional arguments

⁶ Bisong, J.

⁷ Widdowson, H. G.

سو، هالبارو¹ بر این ادعا است که همه گونه‌های انگلیسی مورد استفاده در مرکز، از قدرت هژمونیک برخوردار نیستند (برای مثال، انگلیسی ایرلندی) و در عین حال، همه گویشوران زبان‌های حاشیه نیز به طور یکسان [توسط زبان انگلیسی] مورد تبعیض واقع نمی‌شوند (هالبارو، 1993: 359). افزون بر این، ارائه الگویی بسیار افراطی از قدرت ساختاری، تمرکز بیشینه بر مفهوم ساختار و نادیده گرفتن یا توجه کم به عوامل و مؤلفه‌های بالقوه، توجه بیش از حد به بُعد اقتصادی امپریالیسم، عدم تبیین شیوه پذیرش انگلیسی، کاربرد این زبان و نیز دلیل پذیرش و انتخاب آن توسط گویشوران غیربومی و در مقابل، توجه صرف به چگونگی ارتقاء جایگاه و شأن این زبان در سطح بین‌المللی و نیز تمایز قاطعانه میان کشورهای مرکز در مقابل کشورهای حاشیه و در عین حال، نادیده گرفتن قدرت اختیار گویشوران ملت‌های دیگر در پذیرش یا عدم پذیرش انگلیسی، مقاومت در برابر این زبان و نیز متناسب‌سازی² یا بومی‌سازی آن با توجه به نیازهای خود از دیگر انتقاداتی است که پنی کوک در ارتباط با ناکارآمدی نظریه امپریالیستی فیلیپس ارائه می‌دهد (نقل شده در پنی کوک، 2001: 65-59).

3-5- زبان‌های جهانی انگلیسی

پنی کوک از اصطلاح «زبان‌های جهانی انگلیسی» بهره می‌گیرد تا از این طریق، رویکرد نظری خود به موضوع گسترش و کاربرد انگلیسی را از سایر رویکردهای مطرح به پدیده جهانی‌شدن در این زمینه متمایز سازد. انگلیسی از نظر او، به فرایندهای مختلف جهانی‌شدن پیوند خورده و به زبان فرصت‌ها، تهدیدها، تمایل و ویران‌گری تبدیل شده است. به باور او، موقعیت کنونی انگلیسی را نمی‌توان با استفاده از الگوهای جدید و دولت‌محور «امپریالیستی»، «انگلیسی‌های جهانی» و یا الگوهای سنتی و جدایی‌محور زبانی بررسی کرد.

پنی کوک با بهره‌گیری از راهبرد تکثرگرایی مورد استفاده در مدل نظری «انگلیسی‌های جهانی»، زبان‌های انگلیسی را در چارچوب پیچیده‌تری از مفهوم جهانی‌شدن مطالعه کرد. این دیدگاه نقش زبان انگلیسی را از دو دیدگاه مختلف باز می‌کاود یعنی از بُعد انتقادی و در قالب مفاهیم جدید قدرت، کنترل و تخریب، و نیز از نظر پیچیدگی آن در قالب مفاهیم جدیدی چون مقاومت، تغییر، متناسب‌سازی و ابراز هویت. این رویکرد به وضعیت زبان انگلیسی در جهان مستلزم برداشتی فراتر از مفاهیم همگون‌سازی یا ناهمگون‌سازی زبانی یا فرهنگی و یا مفاهیم امپریالیستی و مفهوم دولت-ملت است و جریان‌های فرامحلی و فرافرهنگی را در کانون توجه خود قرار می‌دهد. از نظر پنی کوک (2007: 6)، انگلیسی زبانی فرامحلی است، زبانی تثبیت‌کننده و انعطاف‌پذیر که در عین نفوذ در سطح محلی و روابط اجتماعی، از این سطوح و روابط فراتر رفته، ابعادی جهانی و فرامحلی می‌یابد. این زبان که مبتنی بر جریان‌های فرافرهنگی است و زبان جوامعی انتزاعی محسوب می‌شود، به بازتولید هویت‌ها منجر شده است. در رویکرد پیشنهادی پنی کوک، انگلیسی در مفهوم پیچیده‌تری از جریان جهانی‌شدن و در ارتباط با

¹ Holborow, M.

² appropriation

جریان‌های فرافرهنگی بررسی می‌شود. «جریان‌های فرافرهنگی»، از نظر پنی کوک، شیوه‌ای است که از طریق آن، صورت‌های فرهنگی به سراسر جهان انتقال یافته، تغییر می‌یابند و هویت‌های مختلفی را در بافت‌هایی متفاوت بازتولید می‌کنند. برخلاف فیلیپسن (اسکوت‌تاب-کانگاس و فیلیپسن، 1994؛ فیلیپسن، 1992، 2009) که گسترش جهانی انگلیسی را به مثابه فرایند آمریکایی‌شدن و همگون‌سازی فرهنگی و نیز نوعی امپریالیسم رسانه‌ای تلقی می‌کند، پنی کوک معتقد است که جریان‌های فرهنگی، صورت‌های جدیدی را از مفهوم محلی‌شدن تولید می‌کنند و در این میان، کاربرد زبان‌های انگلیسی جهانی به تولید صورت‌های جدیدی از مفهوم هویت جهانی منجر می‌گردد. صرف نظر از بسیاری از آثار زیان‌بار فرایند جهانی‌شدن بر اقتصاد و محیط زیست در سراسر جهان (از جمله روند فزاینده استثمار کارگران، مهاجرت-های اجباری، وقوع جنگ‌های جهانی با هدف دستیابی به اهدافی خاص و نیز تخریب محیط زیست)، این رویکرد صرفاً جنبه‌های فرهنگی پدیده جهانی‌شدن، شیوه‌های گسترش و تغییر صورت‌های فرهنگی را مورد توجه قرار می‌دهد. به بیان دیگر، در این رویکرد، جریان‌های فرهنگی صرفاً گسترش و انتقال صورت‌های فرهنگی خاص به فراتر از مرزها نیست، بلکه به فرایندهای وام‌گیری، ادغام، بازسازی و بازگشت مجدد نیز بذل توجه می‌کند:

«در این رویکرد به جریان‌های فرهنگی و زبان‌شناختی به عنوان بخشی از سازماندهی مجدد مفاهیم محلی، و نه به عنوان فرایند همگون‌سازی، پرداخته می‌شود. بنابراین، در بحث پیرامون جریان‌های فرافرهنگی¹، تمرکز این رویکرد صرفاً بر انتقال صورت‌های فرهنگی در سطح جهانی معطوف نخواهد شد، بلکه [عمدتاً] به جذب و پذیرش این محصولات در ابعاد محلی پرداخته می‌شود. فرافرهنگ‌پذیری را می‌توان «پدیده محدودده تماس» قلمداد نمود که به وسیله آن، گروه‌های تحت سلطه یا حاشیه‌ای، محصولات و پدیده‌هایی را که از فرهنگ برتر یا ابرفرهنگ‌ها به آنها انتقال یافته است، انتخاب و بازتولید می‌کنند (پنی کوک، 2007: 7)».

پنی کوک با انتخاب پیشوند «فرا» (معادل trans- در انگلیسی) می‌کوشد تا رویکرد خود را از مفاهیمی چون جهانی‌شدن و محلی‌شدن و یا نوواژه‌هایی نظیر جهان-محلی‌شدن که ابعاد پدیده مورد وصف را گسترده‌تر می‌سازد، متمایز کند و خود در مقابل، زبان و فرهنگ را در قالب مفاهیم «سیالیت»² (که به انتقال مفاهیم فرهنگی به فراتر از زمان و مکان می‌پردازد) و «تثبیت‌پذیری»³ (که از رهگذر آن، به مفاهیمی چون محلی‌شدن، سنت‌ها و نمادهای فرهنگی پرداخته می‌شود) بررسی می‌کند:

«تمرکز بر مفاهیم سیالیت و تثبیت‌پذیری، ما را فراتر از مباحثی چون جهانی‌شدن و محلی‌شدن می‌برد. با در نظر گرفتن تقابل میان سیالیت مفاهیم فرهنگی و زبانی و ثبات مکان، به این موضوع خواهیم پرداخت که چگونه موسیقی و زبان، با تمرکزی ویژه بر موسیقی هیپ‌هاپ و زبان انگلیسی، همزمان از هر دو ویژگی سیالیت و ثبات برخوردارند؛ یعنی در عین آن که به فراتر

¹ transcultural flows

² fluidity

³ fixity

از فضا، مرزها، جوامع و ملت‌ها منتقل می‌شوند، همزمان محلی و بومی شده و بازتولید می‌شوند و بنابراین، صورت‌های فرهنگی و زبانی با قرار گرفتن در حد واسط طیفی از سیالیّت و ثبات، همواره در حال تغییر و پیوسته بخشی از یک فرایند بازسازی هویت است (پنی کوک، 2007: 8).

بر این اساس، برخلاف الگوی زبانی مطرح شده در نظریه جهانی‌شدن به مثابه «امپریالیسم»، که بر آن است که زبان انگلیسی در حال همگون‌سازی جهان است و یا الگوی زبانی مورد مطالعه در چارچوب نظری «انگلیسی‌های جهانی» که بر ناهمگون‌سازی گونه‌های مختلف انگلیسی تأکید دارند، رویکرد پنی-کوک به بررسی زبان‌های جهانی انگلیسی، رهیافتی انتقادی به مطالعه مفاهیم جهانی‌شدن و زبان است.

4- نتیجه‌گیری

امروزه این امر کمابیش بدیهی تلقی می‌شود که انگلیسی تبدیل به زبانی جهانی شده است. سرعت رشد و گسترش انگلیسی به گونه‌ای است که کمتر حوزه‌ای را می‌توان یافت که از نفوذ این زبان در امان مانده باشد و یا بماند. این واقعیت در مورد زبان‌های محلی و ملی نیز صادق است، چرا که به نظر می‌رسد سیطره اجتناب‌ناپذیر انگلیسی در سراسر جهان جایگاه زبان‌های محلی را به شدت تحت‌الشعاع قرار داده است و خود نگرش‌های جدیدی را جایگزین نگرش‌های پیشین نسبت به زبان، به طور کلی و زبان‌های ملی، به طور خاص، ساخته است. در عصر حاضر، حفظ زبان‌های ملی به عنوان گنجینه‌های گرانبهائی از فرهنگ، آداب، رسوم، سنن، باورها و ارزش‌های پیشینیان مستلزم آشنایی با وضعیت زبان انگلیسی در جهان و خاصه با در نظر گرفتن فرایندهای فزاینده جهانی‌شدن است، چرا که امروز بیش از زمان دیگری، زبان‌های ملی از جانب تأثیرات انکارناپذیر بالقوه‌ای که از محل زبان انگلیسی و جایگاه بلامنازع این زبان به عنوان زبان جهانی ناشی می‌شود، مورد تهدید قرار گرفته‌اند. سرعت پیشرفت و رشد زبان انگلیسی در سطح جهان — که بی‌تردید از فرایندهای فزاینده جهانی‌شدن نیز تأثیر می‌پذیرد — به گونه‌ای است که جایگاه زبان‌های دیگر را دستخوش تغییری چشمگیر ساخته و بسیاری از مفروضات ما درباره زبان، زبان‌های ملی، معیار زبانی و نیز مسائل آموزشی زبان در عصر حاضر را در معرض بازبینی قرار داده است. علاوه بر این، با فزونی یافتن شمار گویشوران غیربومی زبان انگلیسی در مقایسه با گویشوران بومی این زبان، مفهوم مالکیت این زبان تحول یافته و زبان‌های انگلیسی جدیدی به منصفه ظهور رسیده‌اند، که این خود مستلزم نوعی بازنگری در مفاهیم یادگیری و آموزش زبان انگلیسی و توجه ویژه به انگلیسی و موضوع معیارهای این زبان است. به همین دلیل، لازم است ماهیت حوزه‌های گسترش و کاربرد انگلیسی شناخته شده، دلایل گسترش و تداوم سیطره بلامنازع این زبان در سراسر جهان بازکاویده شود و نگرش‌های سنتی زبان‌آموزان و آموزگاران انگلیسی به این زبان مورد بازبینی قرار گیرد.

به طور کلی، آنچه در تبیین جایگاه انگلیسی در عصر حاضر قابل ذکر است، آن است که علیرغم رویکردهای مختلفی که در تبیین وضعیت انگلیسی به مثابه زبان جهانی وجود دارد (انگلیسی معیار جهانی، انگلیسی‌های جهانی، انگلیسی همگانی، خانواده زبان‌های انگلیسی، رویکرد امپریالیستی، و زبان-

های جهانی انگلیسی)، می‌توان ادعا نمود که امروز این زبان از مفهوم یکپارچه و همگون خود — که عمدتاً به کشورهایی محدود می‌شود که انگلیسی، زبان بومی یا مادری آنها محسوب شده و به تعبیر کچرو، حوزه درونی این زبان را تشکیل می‌دهند (کشورهای آمریکا، انگلستان، کانادا، استرالیا و نیوزلند) — فاصله گرفته و به موازات بیشتر شدن شمار گویشوران غیربومی این زبان در مقایسه با گویشوران بومی آن، به زبان ناهمگون و غیریکپارچه‌ای تبدیل شده، معیارهای آن صورتی بومی شده یافته است.

منابع

- Baumgardner, R. J. (2006). Teaching World Englishes. In Kachru, B. B., Kachru, Y & Nelson, C. L. (Eds.). *The Handbook of World Englishes* (PP. 661-679). Singapore: Blackwell Publishing
- Bisong, J. (1995 [1994]). Language Choice and Cultural Imperialism: a Nigerian Perspective. *ELT Journal* 49/2, 122-132.
- Bolton, K. (2006, a, b). Varieties of World Englishes. In Kachru, B. B., Kachru, Y & Nelson, C. L. (Eds.). *The Handbook of World Englishes* (PP. 288-312). Singapore: Blackwell Publishing.
- Bolton, K. (2006a). World Englishes Today. In Kachru, B. B., Kachru, Y & Nelson, C. L. (Eds.). *The Handbook of World Englishes* (PP. 240-269). Singapore: Blackwell Publishing.
- Brutt-Griffler, J. (2002). *World English: a Study of its Development*. Clevedon, Buffalo, Toronto, Sydney: Multilingual Matters LTD.
- Canagarajah, S. (2006). Changing Communicative Needs, Revised Assessment Objectives: Testing English as an International Language. *Language Assessment Quarterly* 3(3), 229-242.
- Graddol, D. (1998). *The Future of English*. London: The British Council.
- Crystal, D. (2003) *English as a Global Language*, 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Holborow, M. (1999). *The Politics of English: a Marxist View of Language*. London: Sage.
- Holborow, M. (1993). Review Article: Linguistic Imperialism. *ELT Journal* 47/4, 358-360.
- Jenkins, J. (2006). Current Perspectives on Teaching World Englishes and English as a Lingua. *TESOL Quarterly* 40(1), 157-181.
- Kachru, B. B. (1998). English as an Asian language. *Inks & Letters* 5, 89-108.
- Kachru, B. B. (1997). World Englishes and English-using Communities. *Annual Review of Applied Linguistics* 17, 66-87.
- Kachru, B. B. (1985). Standards, Codification and Sociolinguistic Realism: the English Language in the Outer Circle. In Quirk, R. & Widdowson, H. (Eds.). *English in the World: Teaching and Learning the Language and literatures* (PP. 11-30). Cambridge: Cambridge University Press.

- McCrum, R. (2010). *Globish: How the English Language Became the World's Language*. New York, London: W. W. Norton & Company.
- Modiano, M. (1999a). International English in the Global Village. *English Today* 15(2), 22-34.
- Modiano, M. (1999b). Standard English(es.) and Educational Practices for the World's lingua Franca. *English Today* 15(4), 3-13.
- Mufwene, S. (1998). Native Speaker, Proficient Speaker and Norms. In R. Singh (Ed.) *The Native Speaker: Multilingual Perspectives* (PP. 111-123). New Delhi: Sage.
- Mufwene, S. (1994). New Englishes and Criteria for Naming Them. *World Englishes* 13(1), 21-31.
- Pennycook, A. (2001). *Critical Applied Linguistics: a Critical Introduction*. Mahwa, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- Pennycook, A. (2007). *Global Englishes and Transcultural Flows*. London, New York: Routledge.
- Phillipson, R. (2003). *English-only Europe? Challenging Language Policy*. London & New York: Routledge.
- Phillipson, R. (2009). *Linguistics imperialism Continued*. New York & London: Routledge.
- Phillipson, R. (1992). *Linguistics Imperialism*. Oxford: Oxford University Press.
- Quirk, R. (1985). The English Language in a Global Context. In Quirk, R. & Widdowson, H. G. (Eds.) *English in the World: Teaching and Learning the Language and Literatures* (PP. 1-6.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Quirk, R. (1982). International Communication and the Concept of Nuclear English. In Brumfit, C. (Ed.). *English for International Communication* (PP. 15-28). Oxford: Pergamon.
- Skutnabb-Kangas, T., Phillipson, R. (1994). Linguistic Imperialism. In Asher, R. E. (Ed.). *The Encyclopedia of language and Linguistics* (PP. 2223-2226). Oxford: Pergamon Press.
- Smith, L. (1983). *Readings in English as an international Language*. Oxford: Pergamon.
- Widdowson, H. G. (1998). EIL: Squaring the Circles. A Reply. *World Englishes* 17(3), 397-401.